



Distinct Gender Roles of Men and Women in the Family from the Perspective of the Holy Qur'an: A Thematic Exegesis Study with Educational Implications

✉ **Mahdi Shakeri**  / Ph.D. in Philosophy of Education, Imam Khomeini Educational and Research Institute

Hadi Razaghi / Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute. razaghi@iki.ac.ir

Asadollah Jamshidi / Assistant Professor, Department of Exegesis and Qur'anic Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute. jamshidi@iki.ac.ir

Received: 2025/09/28 - **Accepted:** 2025/10/26

Abstract

The present study aims to analyze gender roles within the family from the perspective of the Holy Qur'an and to extract their educational implications. This research employed a descriptive-analytical method utilizing a thematic exegesis approach to the Qur'anic verses. Data were collected through a systematic examination of verses pertaining to gender roles and were analyzed using qualitative content analysis techniques. The findings indicate that the Holy Qur'an emphasizes two primary roles for women -"bestowing tranquility" and "motherhood"- and two primary roles for men -"guardianship" and "provision of livelihood." This role differentiation is predicated on the principle of proportionality with constitutive (ontogenetic) characteristics. Furthermore, the analysis demonstrates that, despite their distinctness, the gender roles of men and women are complementary at the emotional, educational, and managerial levels of the family. The educational implications derived are applicable across four domains: educational and cultural policy-making, the educational system, the family institution, and family counseling services.

Keywords: Gender Differences, Role-Acceptance, Holy Qur'an, Islamic Education, Family.

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

10.22034/eslampajoheshha.2025.5002739



20.1001.1.4348002.1405.18.1.4.3

نقش متفاوت جنسیتی زن و مرد در خانواده از منظر قرآن کریم: مطالعه تفسیر موضوعی با دلالت‌های تربیتی

✉ **مهدی شاکری** / دکترای فلسفه تعلیم و تربیت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

razaghi@iki.ac.ir

هادی رزاقی / استادیار گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

jamshidi@iki.ac.ir

اسدالله جمشیدی / استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل نقش‌های جنسیتی در خانواده از منظر قرآن کریم و استخراج دلالت‌های تربیتی آن انجام شده است. مطالعه حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تفسیر موضوعی آیات قرآن کریم صورت گرفته است. داده‌ها از طریق بررسی نظام‌مند آیات مرتبط با نقش‌های جنسیتی جمع‌آوری و با تکنیک تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد قرآن کریم برای زنان دو نقش اصلی «آرامش‌بخشی» و «مادری» و برای مردان دو نقش اصلی «سرپرستی» و «تأمین معاش» را مورد تأکید قرار داده که این تفکیک نقش‌ها مبتنی بر اصل تناسب با ویژگی‌های تکوینی طراحی شده است.

همچنین تحلیل یافته‌ها نشان داده است که، نقش‌های جنسیتی زن و مرد در عین تمایز، در سطوح عاطفی، تربیتی و مدیریتی خانواده، مکمل یکدیگرند و دلالت‌های تربیتی آن نیز در چهار حوزه سیاست‌گذاری تربیتی و فرهنگی، نظام آموزشی، نهاد خانواده و خدمات مشاوره خانواده قابل اجرا است.

کلیدواژه‌ها: تفاوت‌های جنسیتی، نقش‌پذیری، قرآن کریم، تربیت اسلامی، خانواده.

در عصر حاضر، مباحث مربوط به تفاوت‌های جنسیتی به یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات در حوزه خانواده تبدیل شده است. رویکردهای موجود در این زمینه از برابری مطلق تا تفاوت‌گرایی افراطی، هر کدام با کاستی‌های نظری و عملی مواجه هستند (Sung, 2025). این در حالی است که قرآن کریم به‌عنوان منبعی الهی، نگرشی متوازن و فطرت‌محور به نقش‌های جنسیتی در خانواده ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنای نظری مناسبی برای پژوهشگران حوزه خانواده و سیاست‌گذاران در نظام‌های تربیتی باشد.

این پژوهش با هدف پاسخ به پرسش‌های محوری درباره تفاوت‌های نقش‌پذیری زن و مرد در قرآن، ارتباط این تفاوت‌ها با ویژگی‌های تکوینی زن و مرد و کاربردهای تربیتی آنها، به بررسی نظام‌مند نقش‌های متفاوت اصلی و مکمل زن و مرد در نهاد خانواده می‌پردازد. ضرورت این تحقیق از چند جهت حائز اهمیت است: نخست اینکه کمتر جامعه‌ای است که در تنظیم قوانین، سیاست‌ها، برنامه‌ها و نظام‌های خود موضوع «جنسیت» را مد نظر قرار ندهد و نظام خانواده و تربیت نیز از این امر جدا نمی‌افتد. توجه به تفاوت‌های جنسیتی نقش‌پذیری به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های مهم نظام خانواده می‌تواند لایه مهمی از هویت، یعنی هویت جنسیتی را شکل دهد. دوم، نیاز به ارائه الگوی بومی در تربیت جنسیتی مبتنی بر منابع اسلامی و سوم، ارائه راهکارهای عملی برای نظام‌های آموزشی و تربیتی تا متربیان را جهت ایفای نقش جنسیتی مناسب خود در خانواده و جامعه آماده کند.

مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد موضوع پژوهش حاضر در نوع خود، کاملاً بدیع است، اما علاوه بر نو بودن موضوع پژوهشی، جنبه نوآورانه این پژوهش در به‌کارگیری روش ترکیبی تفسیر موضوعی آیات قرآن به‌عنوان یکی از منابع اصیل دینی و روش دلالت‌گیری در تحلیل تربیتی تفاوت‌های جنسیتی نهفته است. یافته‌های این تحقیق می‌تواند کاربردهای گسترده‌ای در سطوح مختلف داشته باشد، ازجمله طراحی برنامه‌های درسی متناسب با جنسیت در نظام آموزش و پرورش، تدوین محتوای مشاوره‌ای برای نهاد خانواده و ارائه الگویی برای سیاست‌گذاری‌های کلان تربیتی.

این پژوهش با رویکردی کیفی و از طریق گردآوری نظام‌مند داده‌ها به روش کتابخانه‌ای از مهم‌ترین تفاسیر قرآن کریم صورت پذیرفته است. در گام نخست، به منظور تحلیل نقش‌های جنسیتی از منظر قرآن، از روش تفسیر موضوعی بهره گرفته شده که بر اساس الگوی ارائه‌شده توسط اندیشمندانی همچون الخالدی (۱۴۳۳ق) و مصطفی مسلم (۱۴۲۶ق)، شامل سه مرحله اصلی: شناسایی کلیدواژه‌های محوری، استخراج آیات مرتبط و دسته‌بندی آنها در قالب مقولات مفهومی منسجم است. در گام دوم، برای استنباط نتایج تربیتی از آیات گردآوری‌شده، از روش دلالت‌پژوهی برایشی استفاده شده است. در این روش که بر اساس دیدگاه دانایی‌فرد (۱۳۹۵) طراحی شده، دلالت‌های تربیتی بدون هرگونه چارچوب پیشین و به صورت کاملاً ظهوری استخراج می‌شوند. این رویکرد اجازه می‌دهد دلالت‌ها از متن قرآن نشأت بگیرند و در قالب پیش‌فرض‌های نظری محدود نشوند.

همچنین برای افزایش اعتبار برداشت‌های قرآنی و غنای یافته‌ها، در سراسر پژوهش از دو منبع مکمل روایات معصومان علیهم‌السلام و مطالعات علمی بهره گرفته شده است.

پیشینه تحقیق

مرور نظام‌مند مطالعات پیشین نشان می‌دهد که علی‌رغم تحقیقات متعدد در این حوزه (مانند: ویون بار، ۱۳۸۳؛ خدیجه سفیری و سارا ایمانیان، ۱۳۸۸؛ دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۱)، سه شکاف پژوهشی عمده شامل عدم توجه کافی به مبانی قرآنی، نبود پژوهش‌های نظام‌مند در تحلیل نقش‌پذیری جنسیتی و فقدان نتایج تربیتی مبتنی بر تفاوت‌ها، همچنان وجود دارد. برای مثال، پژوهش‌های (پاک‌نیا و مردیها، ۱۳۹۰؛ جان‌بزرگی، ۱۳۹۶) بر نظریه‌های غربی جنسیت و بررسی تفاوت‌های جنسیتی از منظر روان‌شناسی تمرکز داشته‌اند و کمتر به مبانی دینی پرداخته‌اند. مطالعه (بستان، ۱۳۹۴) تنها به بررسی کلی تفاوت‌های زن و مرد در اسلام پرداخته، بدون آنکه نقش‌های خاص را با استناد به آیات قرآن، تحلیل نظام‌مند کند و مطالعه (صمدیار، ۱۳۹۱) نیز اگرچه به جنبه‌های فقهی تفاوت‌ها پرداخته است، اما مبتنی بر تفاوت‌ها، دلالت‌های تربیتی ارائه نکرده است.

بنابراین، خلأ یک مطالعه یکپارچه که همزمان، هم بر استخراج مبانی قرآنی استوار باشد، هم به تحلیل نظام‌مند نقش‌ها بپردازد و هم پیامدهای عملی آن را در عرصه تربیت مشخص کند، به وضوح احساس می‌شود. این پژوهش درصدد است تا با پر کردن این شکاف‌ها، چارچوبی مستدل و مبتنی بر وحی برای نقش‌آفرینی و تربیت جنسیتی فراهم آورد.

یافته‌ها

بررسی دقیق آیات و روایات و تحلیل تربیتی آنها نشان می‌دهد که زن و مرد در جوهر انسانی و استعدادهای معنوی کاملاً برابرند. قرآن کریم به صراحت بیان می‌دارد: «أَنْتِ لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مَنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْثَى» (آل عمران: ۱۹۵) (من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، از مرد یا زن، که همه از یکدیگر دید، تباه نمی‌کنم) و نیز در جای دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» (غافر: ۴۰) (هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد - خواه مرد یا زن - درحالی که مؤمن باشد آنها وارد بهشت می‌شوند و در آن روزی بی‌حسابی به آنها داده خواهد شد) که بر تساوی کامل زن و مرد در دستیابی به پاداش و سعادت اخروی از راه عمل اختیاری، تأکید دارد. یعنی همه انسان‌ها چه زن و چه مرد، دارای روح الهی هستند (حجر: ۲۹)، هدف کلی از خلقتشان عبودیت (ذاریات: ۵۶) است و در این مسیر، راهنمایان مشترک (نساء: ۱۶۵) دارند. بنابراین، هر دو می‌توانند با اعمال اختیاری خود به سعادت و بالاترین مراتب قرب و کمال انسانی لایق خود برسند. باین حال، تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد به وضوح در منابع دینی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم نیز با در نظرگیری ویژگی‌های تکوینی، ظرفیت‌های روانی - عاطفی متمایز و اهداف تکاملی هر جنس، نقش‌ها و مسئولیت‌های زن و مرد را در

چارچوبی هماهنگ تعریف می‌کند. این نقش‌ها که در عین تفاوت، در راستای تکامل و تعالی یکدیگر طراحی شده‌اند، در چهار نقش اصلی و مکمل زیر قابل دسته‌بندی و تبیین است:

۱. نقش آرامش‌بخشی زن در خانواده

بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد خداوند برای اشاره به جنسیت زن، اغلب از واژه «زوج» و مشتقات آن استفاده کرده که در اصل به معنای قرین، همراه و همنشین است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۶۶). اگرچه این واژه ذاتاً فاقد بار جنسیتی خاصی است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۳۶۰)، اما در بسیاری از آیات با توجه به قرائن، برای جنس مؤنث به کار رفته است. تحلیل این آیات بافت معنایی خاصی را نشان می‌دهد که در آن، زن به عنوان «زوج مرد»، رابطه‌ای مبتنی بر سکونت، همراهی، الفت و صمیمیت را شکل می‌دهد.

بر اساس آیات ۲۱ روم و ۱۸۹ اعراف، زن در تحقق عناصر اصلی زوجیت قرآنی، نقش ویژه دارد؛ چراکه می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت‌انگیز] نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند. یا «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف: ۱۸۹)؛ و کسی است که شما را از یک تن (حضرت آدم) آفرید، و همسرش را از (نوع) او پدید آورد تا در کنارش آرامش یابد.

«لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» به عنوان یکی از کلیدی‌ترین عبارات قرآنی نقشی را برای زن در نهاد خانواده و جامعه ترسیم می‌کند که مرد نمی‌تواند چنین نقشی را ایفا کند. با توجه به اینکه «نفس واحده» در آیات مربوطه، به حضرت آدم ﷺ اشاره دارد، مخاطب اصلی این خطاب قرآن، مردان بوده و «زوجها» به همسر آدم ﷺ - حوا - که از جنس خود او آفریده شده است، اطلاق می‌گردد. بر این اساس، ضمیر «إلیها» در آیه نیز به (ازواج) بازمی‌گردد و زن را به عنوان عنصر محوری در ایجاد سکون، مودت و رحمت در روابط انسانی مورد تأکید قرار می‌دهد. بنابراین، بر اساس این آیات، زن به عنوان عامل اصلی ایجاد آرامش (سکینت) و استقرار طمأنینه در محیط خانوادگی و اجتماعی معرفی شده است.

با این نگاه، قرآن کریم در مواردی که سازگاری اخلاقی و اعتقادی بین زوجین وجود دارد و آنان صاحب فرزند هستند یا انتظار فرزندآوری می‌رود مانند (بقره: ۳؛ بقره: ۲۵؛ اعراف: ۱۹؛ انبیاء: ۹۰) از واژه «زوج» استفاده می‌کند، اما هنگامی که این همراهی و آرامش از بین می‌رود، ادبیات قرآن تغییر کرده و از واژه‌هایی مانند «إمراه» و «بعل» برای اشاره به جنس مؤنث یا مذكر بهره می‌برد (طیب حسینی و انصاریان، ۱۳۹۷، ص ۵۸؛ بهارزاده، ۱۳۹۲، ص ۴۰) مانند آیات شریفه ۸۳ اعراف، ۸۱ هود، ۶۰ حجر، ۵۷ نمل و ۱۰ تحریم که وقتی درباره همسران حضرت نوح و لوط و سرنوشت آن دو به دلیل خیانت و ناسازگاری آنها در امر دین سخن می‌گوید، تعبیر «إمراه» دارد. بررسی این مجموعه آیات نشان می‌دهد که واژه «زوج» در بافتی معنایی به کار می‌رود که مؤلفه‌های اساسی رابطه زوجیت مانند سازگاری،

صمیمیت و همراهی در آن محقق شده باشد. قرآن کریم با این کار، هم رابطه زوجیت را ارج نهاده و هم بر نقش برجسته زن در تحقق آرامش و الفت تأکید کرده است.

امام رضا^ع نیز در حدیثی مأثور از پدران گرامی‌شان، زنان را با ویژگی‌های ژرف و معناداری توصیف می‌فرماید که ابعاد چندلایه و متضاد وجودی آنان را نمایان می‌سازد. این توصیفات حاکی از نقش بی‌بدیل زنان در ایجاد فضایی سرشار از آرامش، نشاط و تعادل در زندگی است. ایشان با بیانی حکیمانه که مضمون آن در روایات دیگری هم آمده است، زن را عامل پیوند اعضای خانواده و مانند بهار که زمین را سرسبز می‌کند منشأ نشاط، طراوت و رشد در زندگی معرفی می‌کند: «النساء اربع: جامعٌ مُجْمَعٌ وَ رَبِيعٌ مُرْبِعٌ وَ كَرْبٌ مُقْمَعٌ وَ غُلٌّ قَمْلٌ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۰). چنین خانواده‌ای که زن در آن نقش محوری وحدت و نشاط‌آفرینی را ایفا می‌کند، به محیطی سرشار از آرامش روانی برای همه اعضای خانواده تبدیل می‌شود. در نقطه مقابل، خانواده‌ای که زن در آن نتواند نقش سازنده و مثبت خود را به‌درستی ایفا کند، به محیطی از تنش و ناآرامی تبدیل می‌شود. در چنین فضایی، زن نه تنها منشأ نشاط و انسجام نیست، بلکه به تعبیر امیرالمؤمنین علی^ع در ادامه روایت می‌تواند به عاملی برای ایجاد اندوه، فشارهای روانی و محدودیت‌های آزاردهنده تبدیل شود. این وضعیت همانند زنجیری سنگین و فرسوده، آزادی و رشد اعضای خانواده را محدود ساخته و فضای خانه را به محیطی ناسالم تبدیل می‌کند.

رسول اکرم^ص نیز با ستودن برخی ویژگی‌های مثبت زنان مانند همراهی و توجه عاطفی، درک احساسات و حمایت روانی و تقویت ایمان و توکل مرد نشان می‌دهند که چگونه یک زن می‌تواند با رفتارهای خود، در ایجاد آرامش و احساس امنیت در خانواده نقش داشته باشد. «مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: همسری دارم که هرگاه به خانه وارد می‌شوم، به استقبال می‌آید، و هرگاه از خانه خارج می‌شوم، بدرقه‌ام می‌کند، و هنگامی که مرا اندوهگین می‌بیند، به من می‌گوید: چه چیز تو را نگران کرده؟ اگر نگران روزی‌ات هستی، پس [بدان که] دیگری [خدا] ضمانت آن را کرده است، و اگر نگران امر آخرت هستی، پس خداوند بر اندوهت [توجهات معنوی] بیفزاید. پیامبر خدا^ص فرمودند: بی‌گمان برای خداوند کارگزارانی است، و این زن از کارگزاران اوست. برای او نصف پاداش شهید است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۳). آن حضرت در کلام دیگری داشتن چنین زنی را که منبع آرامش روانی در خانواده است و مرد با دیدن او خوشحال می‌شود، از جمله نعمت‌های الهی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «خدای متعال به وسیله آن، خیر دنیا و آخرت را برای مرد مسلمان اراده کرده است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۴۱).

بر اساس استدلال عقلی، سپردن مسئولیت «آرامش‌بخشی» به زن، مستلزم برخورداری وی از پیش‌نیازهای روانی این نقش است. از این‌رو خداوند باید ویژگی‌هایی چون احساسات لطیف، همدلی عمیق و ارتباط عاطفی قوی را در سرشت زنان نهاده باشد تا این هماهنگی کامل بین وظیفه و ویژگی‌های ذاتی، موافق با حکمت در آفرینش باشد. اگر چنین ظرفیت‌های روان‌شناختی به زنان داده نمی‌شد، انتساب آن مسئولیت طبیعی به ایشان ناتمام و ناکارآمد بود.

علاوه بر این دلیل عقلی، تحقیق در آیات قرآن کریم، روایات ائمه معصومان علیهم السلام و یافته‌های روان‌شناسی نیز نشان می‌دهد که سپردن این نقش به زنان، ریشه در مجموعه‌ای از ویژگی‌های ذاتی دارد که موجب می‌شود زنان به‌صورت طبیعی کارایی بیشتری در تحقق آرامش‌بخشی در خانواده داشته باشند. در این زمینه، روایت قرآن کریم از رویدادهای پس از نجات حضرت موسی علیه السلام از نیل - همان‌گونه که در آیات ۷-۱۳ قصص منعکس شده است - به وضوح تفاوت روان‌شناختی بین زنان و مردان را در بعد احساسات آشکار می‌سازد و بر احساسات لطیف زنانه اشاره می‌کند. قرآن کریم در توصیف ماجرا می‌فرماید: هنگامی که مادر حضرت موسی به فرمان خداوند فرزندش را در صندوقچه‌ای قرار داد و به رود نیل انداخت، خاندان فرعون او را از آب گرفتند: «فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَرْنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ» (قصص: ۸)؛ مادرش به الهام خدا او را به دریا انداخت، پس خاندان فرعون او را [از آب] گرفتند تا سرانجام، دشمنشان و مایه اندوهشان شود. مسلماً فرعون و هامان و سپاهیان آن دو خطاکار بودند. بعد از آن همسر فرعون چون دید آنها قصد کشتن کودک را دارند خطاب به فرعون گفت: «وَقَالَتْ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قَرَّتْ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (قصص: ۹)؛ و همسر فرعون گفت: [این نوزاد] برای من و تو مایه شادمانی و خوشحالی است، او را نکشید، امید است ما را سود دهد، یا وی را به فرزندی خود بگیریم، ولی آنان آگاه نبودند که دشمنشان را به دست خود می‌پرورند. تحلیل گفت‌وگوی قرآنی فرعون و همسرش آسیه، الگویی از رویارویی زن و مرد در موقعیت حساس را نشان می‌دهد که در آن روحیه لطیف‌تر زنان و تأثیر آن در زندگی را برجسته می‌کند. هنگامی که فرعون قصد کشتن نوزاد بنی‌اسرائیلی را داشت، آسیه با به‌کارگیری سخنان عاطفی و دلنشین که نشان‌دهنده احساسات لطیف زنانه است، توانست دل او را نرم کرده و با ایجاد آرامش، نظر وی را تغییر دهد.

مطالعات روان‌شناختی نیز حاکی از آن است که احساسات لطیف زنانه نه تنها یک ویژگی ذاتی، بلکه یک ابزار ارتباطی قدرتمند در تعاملات خانوادگی محسوب می‌شود و نشان می‌دهد زنان در متقاعدسازی غیرمستقیم و ایجاد تغییر نگرش و آرامش‌بخشی از طریق جلب عواطف، موفق‌تر عمل می‌کنند (Eagly, 2013, p152). بنابراین، نقش آرامش‌بخشی کاملاً با ساختار روانی زن که به صورت فطری از ظرفیت بیشتری برای ایجاد صمیمیت و همدلی برخوردار است، تناسب دارد (Christov-Moore et al, 2014; Chaplin, 2015).

نظر به این برداشت، شاید یکی از وجوه تعبیر به «ریحانه» در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام نیز اشاره به لطافت روحی و عواطف ظریف زنانه به‌عنوان یک ویژگی تکوینی باشد که حضرت در توصیف جنس زن می‌فرماید: «زن گل است و لطیف، نه کارگزار و دلیر» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). گویا همان‌گونه که گل با لطافت و بوی خوش خود محیط را زیبا و معطر می‌کند، زن نیز به واسطه برخورداری از روحیه لطیف و احساسات عمیق خود فضای روابط خانوادگی را تلطیف می‌کند و محیط خانه را شاداب و معطر و سرشار از آرامش نگه می‌دارد.

۲. نقش مادری

در منظومه فکری اسلام، نقش مادری از جایگاهی بی‌بدیل برخوردار است. تکریم مادر به‌عنوان اولین مدرسه تربیتی و پایه‌گذار شخصیت فرزند، موضوعی است که هم در متون دینی و هم در یافته‌های علمی مورد تأکید قرار گرفته است. در قرآن کریم، دو آیه به صراحت نقش مادری و رنج آن را مورد ستایش قرار داده و به انسان دستور می‌دهد در کنار شکر خداوند، شکر نعمت والدین را به جا بیاورد. یکی آیه ۱۴ سوره مبارکه لقمان است که می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» (لقمان: ۱۴)؛ و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد)، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد؛ (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرش شکر بجا آورد که بازگشت (همه شما) به سوی من است. آیه دیگر نیز، آیه ۱۵ سوره مبارکه احقاف است که می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف: ۱۵)؛ و انسان را درباره پدر و مادرش به نیکی سفارش کردیم. مادرش او را با تحمل رنج و زحمت باردار شد و با رنج و زحمت او را زایید و دوران بارداری و باز گرفتنش از شیر سی ماه است. این آیات تأکید می‌کنند که مادر در دوره سی‌ماهه بارداری و شیردهی، بالاترین سطح ایثار و فداکاری را نشان داده و سختی‌های بسیاری را تحمل می‌کند. این دوران با تغییرات فیزیولوژیک قابل توجهی همراه است که از تشکیل نطفه آغاز شده و تا پایان بارداری بر سیستم اسکلتی - عصبی مادر تأثیر می‌گذارد. با این وجود، مادران همه این ناراحتی‌ها را با صبر تحمل کرده و در دوره پس از تولد نیز با مسئولیت‌های سنگین مراقبت ۲۴ ساعته، تشخیص نیازهای غیرکلامی، شیردهی و مدیریت سلامت نوزاد، نقش خود را ادامه می‌دهند. بنابراین، تمرکز قرآن بر رنج‌های مادر به دلیل مشقت‌های مستمر و منحصر به فردی است که عمدتاً بر عهده اوست (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۳۲۷).

اما در کنار این آیات، از جمله مواردی که می‌توان با استناد به آن، جایگاه این نقش ویژه را ترسیم کرد آیات ۳۵-۳۷ سوره مبارکه آل عمران است. این آیات با توصیف داستان نذر مادر حضرت مریم آغاز می‌شود. خدای متعال در آیه ۳۵ می‌فرماید: «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (آل عمران: ۳۵)؛ [یاد کنید] هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگارا! برای تو نذر کردم که آنچه را در شکم خود دارم [برای خدمت خانه تو از ولایت و سرپرستی من] آزاد باشد، بنابراین از من بپذیر؛ یقیناً تو شنوا و دانایی. این آیه دلالت دارد که همسر عمران علیها السلام معتقد بوده فرزندی که در شکم دارد پسر است، چون مناجاتی که با خدا دارد قاطعانه است و در آن شرط نکرده است که اگر فرزندی پسر بود او را برای خدمت خانه تو آزاد می‌کنم، بلکه به طور قطع گفته: «نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا». بنابراین معلوم می‌شود اطمینان داشته که فرزندش پسر است. به دلیل همین اطمینان است که در آیه بعد می‌فرماید، او با دنیا آوردن فرزند دختر با حسرت و تعجب می‌گوید: «پروردگارا! من او را دختر زاییدم!» (آل عمران: ۳۶).

در ادامه همین آیه ۳۶، خداوند با آرامش بخشی به همسر عمران و تجلیل از مقام حضرت مریم در مقایسه با پسر مورد انتظار او، جایگاه رفیع نقش مادری را ترسیم می کند؛ چراکه خدای متعال در مواجهه با افسوس همسر حضرت عمران می فرماید: «خدا به آنچه او زایید داناتر بود؛ و آن پسر [که زاییدن او را آرزو داشت، در کرامت، عظمت، ارزش و شخصیت] مانند این دختر نیست» (آل عمران: ۳۶)؛ یعنی خداوند در پاسخ به همسر عمران که از تولد دختر به جای پسر افسوس می خورد، فرمود: پسر مورد انتظار تو هرگز نمی توانست به عظمت این دختر (مریم) برسد که بدون همسر مادر می شود و با فرزندش عیسی علیه السلام معجزه های جهانی خواهد بود (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۲۷۰). اگرچه این داستان منحصر به فرد است، اما تجلیل قرآن نشان می دهد چگونه یک زن می تواند با ایفای نقش مادری و پرورش فرزندانی شایسته، حتی از مردان نیز اثرگذارتر باشد.

آیه دیگری که به صورت غیرمستقیم به نقش مادری اشاره می کند، آیه ۴۵ سوره مبارکه آل عمران است. این آیه بشارت تولد حضرت عیسی علیه السلام است که به حضرت مریم علیها السلام خطاب می کند: «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (آل عمران: ۴۵)؛ یاد کنید زمانی که فرشتگان گفتند: ای مریم! یقیناً خدا تو را به کلمه ای از سوی خود که نامش مسیح عیسی بن مریم است مژده می دهد که در دنیا و آخرت دارای مقبولیت و آبرومندی و از قربان است. در این آیه، از حضرت عیسی به «کلمه» یاد شده است که در فرهنگ قرآن، به معنای «مخلوق» می باشد (قرائی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۱۴). بشارت ولادت حضرت عیسی علیه السلام در این آیه، که با ذکر ویژگی های ممتاز ایشان همراه است، علاوه بر دلالت صریح بر مقام والای آن حضرت، به صورت التزامی بر جایگاه رفیع جنس زن به عنوان ظرف وجودی فرزند تأکید دارد. بر این اساس می توان برداشت کرد که رسالت مادر از دو بعد حائز اهمیت است: نخست در بعد تکوینی به عنوان واسطه تحقق اراده الهی، و دوم در بعد تربیتی به عنوان پرورش دهنده و شکل دهنده شخصیت فرزند.

علاوه بر آیات مورد پژوهش، برخی روایات نیز با تأکید بر لزوم بررسی سوابق خانوادگی و شرایط تربیتی دختران در فرایند انتخاب همسر، به صورت تلویحی بر نقش محوری مادر در شکل گیری شخصیت فرزندان اشاره دارند (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰، ص ۴۷-۴۹). در حقیقت این دسته از روایات با تأکید بر ارزیابی صلاحیت های تربیتی خانواده دختر و سابقه اخلاقی خود او با نگاهی آینده نگر، چرخه ای تربیتی را مورد توجه قرار می دهند که در آن مادران امروز به عنوان مربیان نسل آینده و دختران امروز به عنوان مادران فردا در نظر گرفته می شوند.

مطالعه تطبیقی ویژگی های فیزیولوژیک و روان شناختی زنان در کنار بررسی نقش مادری آنان، نشان می دهد که خداوند متناسب با مسئولیت خطیر مادری، ظرفیت های جسمی و روانی منحصر به فردی مانند قدرت باروری، تاب آوری بالا و عطوفت را در زنان قرار داده است. این ویژگی ها، لازمه سپردن وظایفی چون پرورش جنین و تربیت فرزند است که بدون تجهیز مادر به این توانایی های ویژه، با حکمت الهی در نظام آفرینش ناسازگار خواهد بود. پس تأکید قرآن بر نقش مادری زنان، متناسب با ظرفیت ویژه جسمی و روحی آنان برای پرورش نسل است که در تمایز آشکار با مردان قرار دارد (Jones & Lopez, 2013).

در این زمینه، آیه ۱۸۹ سوره مبارکه اعراف، در عین اینکه گوهر وجودی زن و مرد را یکی دانسته و ازدواج و همسر را عامل آرامش در زندگی معرفی می‌کند، به روشنی با عبارت «حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا» قدرت حمل و پرورش تدریجی جنین را از ویژگی‌های جنس زن دانسته است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ»؛ او کسی است که شما را از یک تن آفرید، و همسرش را از او پدید آورد تا در کنارش آرامش یابد، پس هنگامی که مرد با زن آمیزش نمود، زن به حملی سبک حامله شد، پس با آن حمل سبک، زندگی را ادامه داد. علاوه بر آیه مورد اشاره، در آیات ۸ رعد، ۱۱ فاطر و ۴۷ فصلت نیز با تعبیری واحد، به این مطلب تصریح شده است که قدرت بارداری و وضع حمل از ویژگی‌های مخصوص جنس ماده است: «وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَوَلَّا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ» (فاطر: ۱۱)؛ هیچ جنس ماده‌ای باردار نمی‌شود و وضع حمل نمی‌کند، مگر به علم او یا «اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَ مَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَ مَا تَزْدَادُ» (رعد: ۸)؛ خدا [حالات، صفات و زمان ولادت] جنین‌هایی را که هر انسان و حیوان ماده‌ای آبستن است، و آنچه را رحم‌ها [از زمان طبیعی حمل] می‌کاهند و آنچه را می‌افزایند، می‌داند.

بر اساس این دیدگاه، هر اقدامی برای حذف این تفاوت‌های تکوینی زن و مرد، مخالف حکمت آفرینش است. امروزه مطالعات علمی نیز نشان می‌دهد دستگاه تولیدمثل زنان با ویژگی‌هایی مانند رحم و سیستم هورمونی پیچیده، به‌طور ذاتی برای باروری و پرورش تدریجی جنین طراحی شده، درحالی که مردان فاقد این قابلیت ذاتی هستند (Jones & Lopez, 2013). بنابراین، تلاش‌های اخیر در غرب برای ایجاد رحم مصنوعی مردانه و از بین بردن این تفاوت تکوینی میان زن و مرد، نه تنها با چالش‌های پزشکی جدی روبه‌روست (Yang, Wang, Chen, Ren, 2023)، بلکه از دیدگاه اسلامی تغییر در خلقت الهی آنان، محسوب می‌شود.

اما در کنار آیاتی که به قدرت باروری و پرورش جنین در زنان اشاره کرده است، قرآن کریم با روایت داستان الگوهای برجسته‌ای مانند حضرت مریم (مریم: ۱۶-۳۴)، مادر حضرت موسی و آسیه همسر فرعون (قصص: ۷-۱۳)، شاخصه‌هایی از مهربانی و عاطفه مادرانه، صبر و تحمل رنج‌های تولد و پرورش فرزند و احساسات لطیف زنان را نیز ترسیم می‌کند. بنابراین، برخورداری از این ویژگی‌ها، نه تنها باعث یک برتری زیستی و روحی برای ایفای نقش مادری در زنان است، بلکه نشان‌دهنده تناسب حکیمانه میان ساختار تکوینی و مسئولیت‌های خانوادگی هم هست که در نظام تربیتی اسلام به آن توجه شده است.

۳. نقش مرد در سرپرستی و مدیریت خانواده

خانواده به‌عنوان یک واحد کوچک اجتماعی، برای دستیابی به اهداف خود که شامل تأمین آرامش، ساماندهی امور و تربیت نسل است، نیازمند «مدیریت و رهبری» کارآمد است. تجربه تاریخی و مطالعات جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که هر نظام جمعی، برای جلوگیری از هرج و مرج و تضاد در تصمیم‌گیری، نیاز به یک ساختار رهبری مشخص دارد؛ خانواده نیز از این قاعده مستثنا نیست. دلالت‌های تفسیری آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء بیانگر آن است که خدای متعال این نقش

را به مردان اعطا کرده است. در این آیه با تصریح به اینکه نقش سرپرستی باید به مرد داده شود، در توجیه آن می‌گوید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴)؛ مردان، سرپرست و تدبیرکنندگان [زندگی] زن‌اند، به خاطر آنکه خدا مردان را [از جهت توان جسمی، تحمل مشکلات و توان روحی و فکری] بر زنان برتری داده، و به خاطر آنکه [مردان] از اموالشان هزینه زندگی زنان را [به‌عنوان حقی واجب] می‌پردازند.

برخی مفسران در بیان مراد از عبارت [قَوَّامُونَ] و عمومیت آن گفته‌اند: «مقصود از این تعبیر استبداد و اجحاف و تعدی نیست، بلکه منظور رهبری واحد منظم با توجه به مسئولیت‌هاست و این موقعیت به خاطر وجود خصوصیتی در مرد است، مانند ترجیح قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه و احساسات، (به‌عکس زن که از نیروی سرشار عواطف بیشتری بهره‌مند است). و دیگری داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر که با اولی بتواند بیندیشد و نقشه طرح کند و با دومی بتواند از حریم خانواده خود دفاع نماید. به علاوه، تعهد او در برابر زن و فرزندان نسبت به پرداختن هزینه‌های زندگی و پرداخت مهر و تأمین زندگی آبرومندانه همسر و فرزند، این حق را به او می‌دهد که وظیفه سرپرستی به عهده او باشد. جمله بعد که دو بخش است اشاره به همین حقیقت است. در قسمت اول می‌فرماید: «این سرپرستی به خاطر برتری‌هایی است که (از نظر نظام اجتماع) خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است» و در قسمت دوم می‌فرماید: «و نیز این سرپرستی به خاطر تعهداتی است که مردان در مورد پرداخت‌های مالی مانند نفقه در برابر زنان و خانواده به عهده دارند» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۷۰). البته ممکن است زنانی در جهات فوق بر شوهران خود امتیاز داشته باشند، ولی قوانین به تک تک افراد و نفقات نظر ندارد، بلکه نوع را در نظر می‌گیرد و شکی نیست که از نظر کلی، مردان نسبت به زنان برای این کار آمادگی بیشتری دارند، اگر چه زنان نیز وظایفی می‌توانند به عهده بگیرند که اهمیت آن مورد تردید نیست.

علاوه طباطبائی نیز با برداشت عمومیت قیومیت مرد نسبت به زن در توجیه آن می‌گوید: «قیم» به‌معنای کسی است که عهده‌دار امور دیگری است. با توجه به این معنا، خدای متعال در این آیه شریفه قیوم بودن مرد را به طور عمومی اثبات می‌کند و وجه آن را نیز مزیت‌های طبیعی و ذاتی که به مردان عطا کرده، می‌داند. به‌عبارت دیگر استدلال مبتنی بر «عمومیت علت» در عبارت (بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ)، نشان می‌دهد که حکم قوامیت مردان بر زنان، حکمی عام و فراگیر است و صرفاً محدود به رابطه زوجیت نمی‌شود. ایشان در ادامه می‌گویند: با مطالعه بخش فراوانی از احکام اسلامی مانند تحریم شرابخواری، قماربازی، معاملات ضرردار، دروغ، بهتان، غیبت و مانند آن متوجه می‌شویم که خردورزی و عقلانیت در اسلام جایگاه بالایی دارد، به همین خاطر همه اعمال، حالات و اخلاقیاتی که به استواری عقل آسیب می‌زند تحریم کرده است. بنا بر این، هر اندیشمندی پس از مطالعه این احکام، به دست می‌آورد که زمام و اداره امور کلی جامعه را باید به دست کسانی سپرد که از عقلانیت بیشتری برخوردارند. روشن است که مردان به داشتن عقل نیرومندتر و عواطف ضعیف‌تر، از زنان ممتازند و آنها نیز به داشتن احساسات و عواطف بیشتر شناخته شده‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۴۷-۵۴۹).

البته در مقابل، عده‌ای دیگر عمومیت این آیه و توسعه لفظی آن به غیر از فضای خانواده را نپذیرفته‌اند و با استناد به سیاق این آیات معتقدند آیه تنها در ارتباط با نقش سرپرستی مرد در نظام خانواده می‌فرماید: «شوهران به دلیل برتری جسمی، برتری در تدبیر و تعقل (به هر حال عموم مردان بر عموم زنان از نظر جسمی و تدبیر و تعقل و حل مشکلات و مدیریت خانه و جامعه برتری دارند) و به دلیل مسئولیت پرداخت نفقه (که بر عهده مرد گذاشته شده است) قائم بر زنان در مدیریت خانه هستند» (علیدوست، ۱۳۹۹).

آیه دیگری که به‌روشنی بر این ویژگی دلالت می‌کند که سرپرستی و مدیریت با مرد است، آیه ۱۰ سوره تحریم است که خدای متعال وقتی از همسران حضرت نوح و لوط یاد می‌کند، به نقش سرپرستی مرد تصریح می‌کند و می‌فرماید: این دو زن تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ» (تحریم: ۱۰)؛ خدا برای کافران، زن نوح و زن لوط را مثل زده که تحت سرپرستی و زوجیت دو بنده شایسته از بندگان ما بودند. دقت در عبارت «كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا» نشان می‌دهد که سرپرستی (قیومیت) و مدیریت و تدبیر نیازهای همسر، مسئولیتی است که در ساختار خانواده بر عهده مرد نهاده شده است و قرآن کریم آن را به‌عنوان یک اصل در تقسیم نقش‌های خانوادگی پذیرفته است.

علاوه بر آیاتی که با استناد به برخی ویژگی‌های تکوینی مردان، پیش‌نیازهای مسئولیت‌های مردانه را مشخص می‌کنند و به نقش سرپرستی ایشان نیز تصریح دارند، تحلیل روایت قرآنی سفر حضرت موسی به همراه همسر باردارش به‌عنوان الگوی رفتاری یک خانواده دینی، نشان‌دهنده تقسیم کارکردی مرد و زن و جایگاه سرپرستی و مدیریت مرد در نظام مطلوب خانواده است. در داستان قرآنی مذکور، هنگامی که خانواده حضرت موسی^ع راه را در بیابان گم می‌کنند، الگوی رفتاری ایشان به‌عنوان سرپرست خانواده به‌روشنی ترسیم می‌گردد که به همسرش می‌گوید: «امْكُنُوا إِنِّي أُنْسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هَذِي» (طه: ۱۰)؛ (اندکی) درنگ کنید که من آتشی دیدم! شاید شعله‌ای از آن برای شما بیاورم؛ یا نزد آتش برای پیدا کردن راه راهنمایی بیابم. مشابه همین عبارت که در آیه‌های ۷ نمل و ۲۹ قصص آمده است و داستان نیاز خانواده موسی به آتش در آن بیابان تاریک و هوای سرد و بارانی را روایت می‌کند، نشان می‌دهد حضرت موسی^ع به‌عنوان سرپرست خانواده چطور برای به دست آوردن آتش و آسایش خانواده تلاش می‌کند. این الگوی قرآنی بر اتخاذ نقش فعال توسط مرد در شرایط دشوار زندگی و محافظت از خانواده تأکید می‌کند که مطالعات روان‌شناسی خانواده نیز در یافته‌هایی همسو، اهمیت رهبری مرد و واکنش مبتنی بر حل مسئله او در موارد بحرانی را نشان داده است (Patterson, 2002).

با تحلیل آیات مشخص می‌شود که تفکیک نقش‌ها در خانواده، ازجمله سرپرستی مرد، بر پایه حکمت و شناخت خداوند از سرشت زن و مرد است. قرآن در آیه ۳۴ سوره نساء که پیش‌تر به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت، این نقش را بر تفاوت‌های تکوینی استوار کرده است. البته این ویژگی‌های تکوینی در کنار ویژگی‌های ارزشی مشترک

مانند تقوا، برای ساماندهی امور زندگی طراحی شده و تحقق کارکرد مطلوب آن منوط به عملکرد فرد است. بر این اساس، مسئولیت سرپرستی مردان، اگرچه با ویژگی‌های شناختی و کالبدی آنان ازجمله توانایی تحلیل عقلانی و قوای بدنی افزون‌تر همخوانی دارد (Miller, 1993, p254; Leyk et al, 2007, p415).

اما از دیدگاه اسلامی این برتری‌ها معیار ارزش ذاتی یا کمال روحی مرد محسوب نمی‌شود، بلکه این مزیت‌ها، باید در مسیر ساماندهی زندگی و تداوم خانواده به کار گرفته شود تا مرد، به کمال شایسته خود دست یابد.

۴. نقش مرد در تأمین معاش خانواده

تحلیل محتوای آیاتی مانند «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴) - که شرح آن در تبیین نقش سرپرستی مرد گذشت - به‌طور طبیعی مدیریت اقتصادی خانواده و کار و تلاش در تأمین نیازهای همسر را نیز به‌عنوان یکی از شئون مدیریت و سرپرستی، بر عهده مرد می‌گذارد. تعبیر (بِمَا أَنْفَقُوا) نیز به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های اقتصادی در توجیه نقش مدیریت مرد، به‌روشنی حاکی از مسئولیت اقتصادی و نان‌آوری آنها در خانواده است. چون تحلیل این آیه در مباحث گذشته به تفصیل آمده است، در اینجا به همین مقدار اکتفا می‌کنیم که برای اینکه زن بتواند از عهده مسئولیت‌های خانوادگی خویش در آرامش‌بخشی به کانون خانواده، تولیدمثل و پرورش فرزندان برآید، باید نیازهای اولیه جسمانی و عاطفی او چون امنیت، مسکن، خوراک و پوشاک و مانند آن تأمین گردد (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۲۳۷). با توجه به دامنه گسترده این نیازمندی‌ها، اگر تأمین اقتصادی بر عهده زن باشد، بخش عمده‌ای از وقت و انرژی او مصرف این امر شده و فرصت و توانی برای مسئولیت‌های خطیر تربیتی و عاطفی خود که منحصر به توانمندی‌های وی است، نخواهد داشت. بر این اساس، خداوند با منظور داشتن مصالح عالی زن و نهاد خانواده، مسئولیت تأمین معیشت را به مرد سپرده تا با تلاش او، کارآمدی و بقای نهاد خانواده تضمین شود.

اما علاوه بر آیه مذکور، به نظر می‌رسد از آیات ۲۳ و ۲۴ سوره مبارکه قصص نیز می‌توان همین نکته را برداشت کرد که در شرایط عادی، وظیفه نان‌آوری و کار اقتصادی در خانواده به عهده مرد گذاشته شده است و این اصل مورد پذیرش و تأکید قرآن است. این آیات که جریان ورود حضرت موسی به ماء مدین و گفت‌وگوی او با دختران حضرت شعیب را روایت می‌کند، به این موضوع پرداخته است که چرا در میان گروهی از مردم که برای آب دادن به دام‌هایشان آمده بودند این دو دختر دام‌هایشان را از رفتن به‌سوی آب بازمی‌دارند؟ قرآن کریم در پاسخ به این سؤال حضرت موسی ﷺ از زبان آن دو دختر می‌گوید: «قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَ أَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» (قصص: ۲۳)؛ گفتند: ما [این دام‌هایمان را] آب نمی‌دهیم تا [این] شبانان [دام‌هایشان را] برگردانند و پدر ما پیری کهنسال است.

از عبارت (وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ) که جمله‌حالیه و از نظر بلاغی، عبارتی کنایی است (الدرویش، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۳۰۴) می‌توان برداشت کرد که دختران حضرت شعیب با ملاحظه اینکه تأمین معاش خانواده، به طور طبیعی وظیفه مرد است، در پاسخ به حضرت موسی توضیح دادند که پدر سالخورده‌شان توانایی انجام این کار را ندارد و رعایت شئون

اخلاقی و عفت نیز اجازه هرگونه برخوردی را با نامحرمان به ما نمی‌دهد. بنابراین، مجبوریم گله را رها کرده و سقایی را تا دور شدن چوپانان به تأخیر بیندازیم. این‌گونه، پاسخ آنان با پرسش حضرت موسی همخوانی دارد؛ زیرا او علت دور نگه داشتن گله را جویا شد و آنها هم این‌گونه دلیل آن را بیان کردند. بر اساس این دلالت، پاسخ دختران شعیب به موسی نشان می‌دهد تأمین معیشت خانواده به‌عنوان نقشی مردانه از سوی قرآن تأیید شده است و رفتار موسی ﷺ پس از شنیدن این دلیل - با سیراب کردن گوسفندانشان - نیز همین برداشت را تأیید می‌کند (قصص: ۲۴).

سخن یکی از دختران حضرت شعیب نیز در همین ماجرا و پس از بازگشتشان نزد پدر، می‌تواند شاهد دیگری برای برداشت ذکرشده باشد؛ چراکه پس از بازگرداندن دام‌هایشان، یکی از دختران به پدرش می‌گوید: «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶)؛ ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی که استخدام می‌کنی آن کسی است که نیرومند و امین باشد (و او دارای این صفات است). این سخن نشان می‌دهد که اشتغال قبلی دختران در تأمین معاش، به دلیل نبود مرد توانمند بود. اما با حضور موسی ﷺ که هم توانایی اقتصادی داشت و هم امین بود، امکان استخدام او فراهم شد. شعیب نیز این پیشنهاد را پذیرفت و موسی را برای هشت سال به شبنی اجیر کرد و در ازای آن، یکی از دخترانش را به عقد او درآورد.

بر اساس برخی روایات نیز، مرد به‌عنوان مسئول اصلی اقتصاد خانواده معرفی شده است. در این احادیث، بدترین مردان کسانی دانسته شده‌اند که مسئولیت مالی در قبال خانواده را نپذیرفته و تأمین معیشت همسر و فرزندان خود را به دیگران واگذار می‌کنند. به‌عنوان نمونه رسول اکرم ﷺ در بیان ویژگی‌های مردان ناشایست فرموده‌اند: «آیا شما را از بدترین مرداتان آگاه نکنم؟ عرض شد، بله یا رسول‌الله. حضرت فرمودند: بدترین مردان شما کسی است که خانواده‌اش را به دیگران نیازمند کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۴).

نتیجه‌گیری

بررسی آیات قرآن ازجمله (آل عمران: ۱۹۵ و غافر: ۴۰) نشان می‌دهد زن و مرد در جوهر انسانی و کسب ارزش‌های معنوی برابرند. باین‌حال، تفاوت‌های فطری و طبیعی بین آنان در ابعاد فیزیولوژیک و روحی و اخلاقی به وضوح مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس، نظام تربیتی اسلام با شناخت این تمایزات، مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی را به صورت متناسب تقسیم کرده است: وظایفی چون سرپرستی و تأمین معاش که نیازمند قدرت بدنی و تحلیل عقلانی بیشتری است به مردان، و مسئولیت‌های مبتنی بر عاطفه مانند تربیت فرزندان به زنان سپرده شده است. این تقسیم‌بندی مبتنی بر طراحی هوشمندانه‌ای است که از استعدادهای ذاتی هر جنس بهره می‌برد.

علاوه بر این، تحلیل نظام‌مند نقش‌های جنسیتی در خانواده نشان می‌دهد که این نقش‌ها، حلقه‌های به‌هم‌پیوسته یک زنجیره تربیتی - معیشتی هستند و در تعاملی پویا، کارکرد کلی نهاد خانواده را محقق می‌سازد. آرامش‌بخشی زن، پشتوانه روانی لازم برای مرد در تأمین معاش فراهم می‌کند و امنیت مالی ایجادشده توسط مرد، بستر مناسب برای ایفای نقش تربیتی زن را مهیا می‌سازد. در بعد تربیتی، تلفیق عاطفه مادرانه با تدبیر پدرانه، رشد متوازن فرزندان را

تضمین می‌کند و سرپرستی مرد همراه با مشارکت و نظارت زن، کارآمدی و تعادل خانواده را به ارمغان می‌آورد. چنین تقسیم کاری که هر جنس را در مسیر استعدادهای تکوینی خود قرار می‌دهد، نه تنها به شکوفایی استعدادهای فردی و آرامش خانوادگی می‌انجامد، بلکه در نهایت زمینه‌ساز تعالی روحی و معنوی هریک از زن و مرد، در مسیر بندگی و تقرب به خداوند متعال خواهد بود.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت اسلام با شناخت فطرت زن و مرد، نظام متوازی از نقش‌ها طراحی کرده که هم اشتراکات انسانی و هم تفاوت‌های طبیعی را مد نظر دارد و شرط ضروری برای تشکیل خانواده و جامعه‌ای سالم است. اما جریان‌های فکری که با انکار تفاوت‌های تکوینی در پی برابری مطلق هستند، نه تنها به ناکارآمدی خود اذعان دارند، بلکه با مختل کردن تعادل طبیعی، مانع شکوفایی استعدادهای هر دو جنس می‌شوند. در مقابل، رهیافت قرآنی با به رسمیت شناختن تفاوت‌ها در عین اشتراک در هدف نهایی قرب به خدا، الگویی متوازن و همسو با فطرت ارائه می‌دهد که عامل تکامل فرد و جامعه است. بر این اساس، هرگونه تلاش برای از بین بردن یا نادیده انگاشتن تمایزات ذاتی میان زن و مرد، تلاشی مغایر با فطرت انسانی و بازدارنده رشد و کمال آنان محسوب می‌گردد. این اقدام منجر به ایجاد دگرگونی‌های ناهمخوان با سعادت تکوینی انسان و اهداف تشریعی الهی برای وصول به کمال می‌گردد که به استناد آیه ۱۱۹ سوره مبارکه نساء، مصداق آشکار «تغییر در خلقت الهی» و عملی شیطانی تلقی شده است.

دلالت‌های تربیتی

با ابتناء بر تفاوت‌های بنیادین استخراج‌شده در حوزه نقش‌ها و وظایف اصلی زن و مرد، که بر اساس مبانی دینی تعیین شده‌اند، می‌توان استنتاج‌های تربیتی این پژوهش را در سطوح مختلف و با جزئیاتی دقیق‌تر مورد توجه و تحلیل قرار داد. این دلالت‌های تربیتی در دو سطح کلان و خرد طراحی و ارائه شده‌اند: در سطح کلان، به سیاست‌گذاری‌های تربیتی و فرهنگی می‌پردازند، و در سطح خرد، به ارائه راهکارهای اجرایی و کاربردی برای والدین، مربیان و مشاوران اشاره دارند. این طبقه‌بندی دوگانه، امکان بهره‌برداری از یافته‌ها را هم برای تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران فراهم می‌سازد و هم برای کنشگران مستقیم در عرصه تربیت. بر این اساس، دلالت‌های تربیتی این پژوهش را می‌توان در چهار حوزه اساسی دسته‌بندی کرد:

۱. دلالت‌های مربوط به حوزه سیاست‌گذاری تربیتی و فرهنگی: سیاست‌گذاران و نهادهای حاکمیتی مسئولیت دارند تا با ایجاد بسترهای قانونی، حقوقی و حمایتی لازم، زمینه را برای ایفای طبیعی و بدون دغدغه نقش‌های فوق فراهم آورند. این مهم از یک سو شامل تدوین قوانین و مقرراتی برای تسهیل و تکریم نقش بی‌بدیل مادری و همسری زنان (مانند فراهم آوردن حمایت‌های شغلی و اجتماعی از مادران) و از سوی دیگر، شامل ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و متناسب با مسئولیت‌های اصلی مردان در تأمین معاش و مدیریت اقتصادی خانواده می‌گردد. این امر مستلزم سیاست‌گذاری در جهت مهار تورم، شفاف‌سازی بازار کار، گسترش بیمه‌های اجتماعی فراگیر و حمایت از اشتغال‌زایی

پایدار است تا مردان به عنوان قوام‌دهندگان اقتصادی خانواده، بتوانند با آرامش خاطر و امنیت شغلی به این مسئولیت خطیر عمل نمایند. هدف نهایی این سیاست‌ها باید تقویت و تحکیم کانون خانواده بر اساس الگوی اسلامی باشد.

۲. دلالت‌های مربوط به نظام آموزشی و برنامه‌ریزی درسی: طراحی و تدوین محتوای آموزشی و برنامه‌های درسی می‌بایست بر پایه شناخت دقیق از استعدادها و تمایلات فطری هر جنس استوار گردد، به نحوی که بتواند این قابلیت‌های ذاتی را به شکلی مطلوب و متوازن به فعلیت برساند. در این راستا، برای دختران، باید برنامه‌هایی طراحی شود که آنان را به طور جدی با ارزش‌های متعالی مرتبط با نقش مادری، هنر همسررداری و مدیریت عاطفی و تربیتی خانه آشنا سازد. این آموزش‌ها، که در حقیقت تقویت قلب تپنده خانواده است، می‌بایست همراه با تقویت حس زیبایی‌شناسی، خلاقیت در ایفای نقش‌های خانوادگی و مهارت‌های روان‌شناختی برای ایجاد فضایی سرشار از مهر و تعالی باشد. برای پسران نیز، برنامه‌های آموزشی باید به گونه‌ای باشد که مهارت‌های کلیدی همچون قدرت تصمیم‌گیری به موقع و عقلانی، روحیه مسئولیت‌پذیری در قبال خانواده و جامعه، و توانایی رهبری و مدیریت در عرصه‌های مختلف را در آنان تقویت و نهادینه کند. بنابراین، فرایند تربیت باید زمینه‌ساز پرورش استعدادها و خاص هر جنس، متناسب با نقش‌های متفاوت و در عین حال مکملی باشد که در طرح هستی برای آنان در نظر گرفته شده است. این نگاه توحیدی به تربیت، هدف نهایی را آماده‌سازی هر دو جنس برای ایفای نقش هماهنگ در چارچوب خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه، و در نهایت تحقق جامعه‌ای متعال و الهی قرار می‌دهد. در این پارادایم، برنامه‌ریزی درسی نه به عنوان ابزاری برای تحمیل نقش‌ها، بلکه به مثابه راهبردی برای شکوفایی استعدادها و هدایت آنان به سوی سعادت قلمداد می‌شود.

۳. دلالت‌های مربوط به نهاد خانواده: ضروری است که فرایند اجتماعی‌سازی و تربیت در خانواده، به گونه‌ای سامان یابد که دختران، به صورت نظام‌مند و هدفمند، با مهارت‌های ایجاد آرامش روانی و عاطفی در کانون خانواده و هنر شکل‌دهی به فضایی امن و آکنده از مهرورزی آشنا شوند. این آموزش‌ها باید فراتر از مفاهیم نظری باشد و به صورت عملی و کاربردی توسط والدین ارائه گردد. مثلاً مادر می‌تواند مهارت‌های ارتباط مؤثر مانند همدلی، گوش دادن فعال، بیان احساسات و نیز مدیریت هیجانات را با فرزندان در قالب بازی‌های گروهی یا ایفای نقش تمرین کند. در مقابل، پسران باید از سال‌های نخست زندگی، به تدریج و متناسب با سن خویش، با مفاهیم مسئولیت‌پذیری اقتصادی و ابعاد مختلف مدیریت امور خانواده آشنا شده و این مهارت‌ها را در بستر واقعی زندگی و از طریق مشارکت در امور خانوار به صورت عینی و ملموس فراگیرند.

۴. دلالت‌های مربوط به حوزه خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی خانواده: مشاوران و درمانگران خانواده و پیش از ازدواج، نقش محوری در تبیین و توضیح حکمت‌ها و فلسفه عمیق نهفته در تقسیم‌بندی نقش‌ها بر اساس آموزه‌های قرآنی ایفا می‌کنند. آنان باید با بهره‌گیری از یافته‌های این پژوهش و تحقیقات مشابه، در جلسات مشاوره فردی و گروهی برای زوج‌ها روشن سازند که این تفاوت‌ها نه تنها نشانه تبعیض یا برتری یک جنس بر دیگری نیست، بلکه

تجلی‌دهنده یک نظام تکاملی خردمندانه و مبتنی بر عدالت وجودی است که هدف نهایی آن، دستیابی به آرامش و زندگی متعالی برای هر دو طرف است. علاوه بر این، مشاوران موظفند با طراحی و اجرای کارگاه‌های عملی مهارت‌محور، شیوه‌های همکاری و مشارکت بر اساس الگوی «تکامل مکمل‌وار» را به زوجها آموزش دهند. در این الگو زن و مرد همچون قطعه‌های یک پازل، با حفظ استقلال هویتی خود، یکدیگر را تکمیل می‌کنند تا نهاد خانواده در نهایت، تصویری کامل و کارآمد داشته باشد.

در پایان پیشنهاد می‌شود این الگو در سه سطح مورد توجه جدی قرار گیرد: در سطح نظریه‌پردازی، باید به تدوین نظریه‌های بومی تربیت جنسیتی بر اساس این الگو پرداخت. در سطح برنامه‌ریزی، لازم است برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای مبتنی بر این یافته‌ها طراحی شود و در سطح مهارت‌آموزی، باید دوره‌های عملی برای آموزش مهارت‌های نقش‌پذیری بر اساس الگوی قرآنی به زوجین ارائه گردد. این رویکرد می‌تواند خانواده امروزی را در تحقق زندگی متعادل و سعادتمند یاری کند.

همچنین پیشنهاد می‌شود مطالعات تطبیقی درباره انطباق این الگوی قرآنی با نیازهای جامعه معاصر انجام گیرد و ابزارهای علمی برای سنجش میزان انطباق خانواده‌ها با این الگو طراحی شود.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- بار، ویون (۱۳۸۳). جنسیت و روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه حبیب احمدی و بیتا شقایق. شیراز: نوید.
- بستان، حسین (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهارزاده، پروین (۱۳۹۲). بازخوانی مفاهیم «زوج» و «زوجیت» در قرآن کریم. علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، ۲، ۳۰-۵۰.
- پاکنیا، محبوبه و مردیها، مرتضی (۱۳۹۰). سطره جنس. تهران: نشر نی.
- جان‌بزرگی، مسعود و پناهی، علی‌احمد (۱۳۹۶). روان‌شناسی زن و مرد. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷). قرائت انتقادی نظام آموزشی با رویکرد جنسیتی. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- الخالدی، صلاح عبدالفتاح (۱۴۳۳ق). التفسیر الموضوعی بین النظرية و التطبيق. اردن: دار الفنائس.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۵). روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا. روش‌شناسی علوم انسانی، ۸۶، ۳۹-۷۱.
- سفیری، خدیجه و ایمانیان، سارا (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی جنسیت. تهران: جامعه‌شناسان.
- صمدیار، حسین (۱۳۹۱). بررسی فقهی احادیث کتب اربعه شیعه و صحاح سته اهل سنت در مورد تکالیف خاص زنان. تهران: هادیان.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین.
- طیب حسینی، سیدمحمد و انصاریان، نسرین (۱۳۹۷). معناکاوی واژه‌های امرأه، نساء و زوج در قرآن کریم و کاربست آن در تحکیم روابط زوجین. مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۸، ۵۱-۶۹.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۹). درس خارج فقه القضاء. در: a-alidoost.ir.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: هجرت.
- قزائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مصطفی مسلم (۱۴۲۶ق). مباحث فی التفسیر الموضوعی. دمشق: دارالقلم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- Chaplin, T. M. (2015). Gender and emotion expression: A developmental contextual perspective. *Emotion Review*, 7(1), 14-21.
- Christov-Moore, L., Simpson, E. A., Coudé, G., Grigaityte, K., Iacoboni, M., & Ferrari, P. F (2014). Empathy: Gender effects in brain and behavior. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 46, 604-627.
- Eagly, A. H. (2013). *Sex differences in social behavior: A social-role interpretation* Psychology Press. New York
- Jones, R. E. & Lopez, K. H. (2013). *Human Reproductive Biology*. (4th Edition). Academic Press.
- Leyk, D. , Gorges, W. , Ridder, D. , Wunderlich, M. , Rütther, T. , Sievert, A. , & Essfeld, D. (2007). Hand-grip strength of young men, women and highly trained female athletes. *European Journal of Applied Physiology*, 99(4), 415-421.

- Miller, A. E. , MacDougall, J. D. , Tarnopolsky, M. A. , & Sale, D. G. (1993). Gender differences in strength and muscle fiber characteristics. *European Journal of Applied Physiology and Occupational Physiology*, 66 (3), 254-262.
- Patterson, J. M. (2002). Integrating family resilience and family stress theory. *Journal of Marriage and Family*, 64(2), 349-360.
- Sung, S. (Ed.). (2025). *Gender, Family and Policy: International Perspectives*. Edward Elgar Publishing .
- Yang, L., Wang, T., Chen, L., & Ren, J. (2023). Transplantation of the uterus in the male rat. *Transplantation*, 107(10), 2168–2178.